

نا امیدی بازاریان

نوشته ی ژرژ مالبرونو، روزنامه نگار فیگارو در ایران

برگردان از دکتر نیما فرمین

بازاریان ایرانی روی پیروزی اصلاح طلبان حساب می کردند، و امیدوار بودند، مجازات های بین المللی، که کشور را با دشواری هایی روبرو کرده است، برداشته شود.

علی یکی از بازاریان، همه چیز برای خوشبخت زیستن دارد. او محموله هایی از تابلو های الکتریکی برای انتخابات رئیس جمهوری به ایران وارد کرده است، و بسیار سود بخش بوده است، این بازرگان جوان و فعال ایرانی سالیان دراز، همه جهان را برای یافتن فرآورده های جدید زیر پا گذاشته است.

در این انتخابات، میر حسین موسوی کاندیدای اصلاح طلبان که مورد علاقه او است، انتخاب نشده است. «کسی که دست کم کاربازرگانی را می شناسد» وی طرفدار اقتصاد آزاد است، پدرش بازاری است و قبلا با او دیداری داشته است.

مانند بسیاری از بازرگانان و صاحبان صنایع، امیدوار بوده است، که موسوی برگزیده شود، تا بتواند ایران را از محاصره اقتصادی و تنگنای کنونی بیرون آورد، زیرا در وضع موجود به بازرگانان این کشور آسیب می رساند. علی افسوس می خورد که با بودن احمدی نژاد بانک های خارجی برای تامین هزینه های خرید، و وارد کردن کالا های بازرگانی، به بازرگانان ایرانی اعتبار لازم را نمی دهند، و به این علت بیلان کارش کاهش یافته است.

علی امیدوار بوده، که رئیس جمهور جدید بتواند، مجازات های بین المللی را که به واسطه برنامه انرژی هسته یی بر ایران تحمیل شده است، از میان بردارد. زیرا این مجازات ها باعث افزایش قیمت ها شده، که مصرف کنندگان باید آن را بپردازند. علی با تلخکامی می افزاید، چگونه احمدی نژاد ادعا می کند، که بامردم وبویژه طبقه فقیر و کم درآمد نزدیک است!، در حالی که بواسطه اشتباهات او است، که این مردم ناگزیرند، برای خرید نیازمندی های خود بهای زیادی را بپردازند.

علی زیاده گویی رئیس جمهور بنیادگرای افراطی را نسبت به اسرائیل تائید نمی کند. زیرا نباید با شعار، اسرائیل باید از نقشه جهان برداشته شود، مردم را برانگیزد، بر عکس باید کاری کرد که آرامش برقرار شود. از سوی دیگر امروز دیگر سرمایه گذاران بین المللی برای سرمایه گذاری به ایران نمی آیند. در حالی که با داشتن نفت، گاز و طبقه مهم بازاریان، کارهای بسیاری است، که باید انجام شود.

بوی انقلاب

علی هر روز، و ساعت به ساعت، رویارویی خطرناک جوانان تظاهرکننده و نیروی سرکوبگر رژیم را زیر نظر دارد، تا آنجا که گاهی از دفتر کارش بیرون می رود، و از حملات سرکوبگران به جوانان عکس می گیرد.

علی با دوره ی پیش از انقلاب سال ۱۹۷۹ نیز آشنایی دارد، زیرا در آن زمان شانزده ساله بوده است. او می افزاید، شب هنگام که همسایه ها، و صدها ایرانی دیگر دریا های خانه خود شعار الله اکبر سر می دهند، من بوی انقلاب را احساس می کنم.

به وارونه سرکوبی شدید تظاهرکنندگان مخالف رژیم، نا رضایی ها پایان نمی گیرد، حتی اگر موسوی از جوانان بخواهد، از اعتراض خود دست بردارند، آن را نمی پذیرند. اکنون بسیاری تاسف می خورند، که چرا او جوانان را به آرامش فراخوانده است. علی پیش بینی می کند هرچه نارضایتی ها ادامه پیدا کند، راه برگشت دشوارتر می گردد.